

مخاطب یابی و اطلاع رسانی در حوزه کتاب

در گفت و گو با موسی محمدی مسئول انتشارات چایان



به اجبار به نمایشگاه می‌آوردند و محیط نمایشگاه را زیاده از حد شلوغ می‌کنند. به نظرم بهتر است که فقط در روز آخر یا دو روز آخر غرفه‌ها اقدام به فروش کتاب کنند، چرا که ما تجربه کرده‌ایم که هرچقدر ما در نمایشگاه کتاب بفروشیم گاهی تا دو ماه بعد از آن فروشمان کاملاً صفر می‌شود؛ یعنی مشتری که می‌خواهد بیاید از فروشگاه خرید کند از نمایشگاه کتاب می‌خرد و فرقی برای ما نمی‌کند و اگر ما آنجا فروش نداشته باشیم می‌آیند اینجا از ما خرید می‌کنند.

نظر شما درباره اطلاع رسانی نمایشگاههای کتاب چیست؟ به نظر تان این امر به خوبی صورت می‌گیرد؟

○ بد نیست؛ ولی هنوز راضی‌کننده نشده‌ام. البته این کاری که در چند سال اخیر شده و فهرست تمام ناشران و عنوان کتابهای آنها را به صورت کامپیوتری عرضه می‌کنند خوب است. کسی که دنبال کتاب باشد می‌تواند به آن دسترسی پیدا کند. ولی چون این فهرست را معمولاً در روز آخر بین بازدیدکنندگان تقسیم می‌کنند تا حدودی

بود که به درد عرضه عمومی نمی‌خورد. فکر می‌کنم افرادی با روابط خاص در این نمایشگاه شرکت کرده بودند، کتابها جهت‌دار بود. ببینید، من وقتی می‌روم در یک مدرسه نمایشگاه بگذارم، می‌دانم که چه کتابی را باید ببرم یا وقتی به یک دانشگاه می‌روم، می‌دانم که آیا این کتاب را باید ببرم یا نه؟ یا حتی نمایشگاهی که در شمال تهران می‌گذارم با نمایشگاهی که در جنوب تهران می‌گذارم مسلماً فرق می‌کند. کتابهایی که در این نمایشگاهها عرضه می‌شد همخوانی زیادی با هدف و محیط نمایشگاه نداشت.

نمایشگاههای دیگر چگونه در آنها هم شرکت نکرده‌اند؟

○ چرا در نمایشگاه بین‌المللی کتاب و نمایشگاههایی که در استانها برگزار می‌شود شرکت می‌کنم.

آرزوهای شما از نمایشگاه بین‌المللی کتاب چیست؟
○ خیلی خوب است. البته من از فروش مستقیم کتاب در نمایشگاه بین‌المللی کتاب انتقاد دارم؛ چرا که بسیار شلوغ می‌شود و حتی برخی مدارس دانش‌آموزان را

لطفاً بفرمایید حوزه کاری شما بیشتر در چه زمینه‌ای است و چند سال است که در این حوزه فعالیت می‌کنید؟

○ من نزدیک به ۲ سال است که وارد این کار شده‌ام و بیشتر در زمینه کتابداری و اطلاع‌رسانی کتاب منتشر کرده‌ام.

شما در جشنواره هفته کتاب هم شرکت کردید؟

○ نه شاید دعوت عام کرده بودند و من اطلاع نیاختم.

الیه ما هم پیگیری نکردیم. چرا پیگیری نکردید؟ به نظر شما آیا امکان خوبی برای معرفی کتابها بمان نبود؟

○ من در بازدید از چند نمایشگاه احساس کردم که این نمایشگاهها کتابهای ناشران خاص و عنوانهای خاص را داشتند که حتی برخی از آنها به دردعامه مردم نمی‌خورد؛ مثلاً در نمایشگاهی در جنوب شهر دیدم که کتابهای مرجع چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به نمایش گذاشته‌اند که آن کتابها مخصوص کتابخانه است و به درد مردم نمی‌خورد، یا برخی مربوط به ناشران خاصی

مشکل اصلی نبود اطلاع‌رسانی کافی و صحیح در حوزه کتاب است. در تشویق عامه مردم به خرید کتاب هنوز ناتوان هستیم

اگر ارشاد به جای بودجه‌ای که صرف خرید کتاب از ناشران می‌کند، به مردم وام بدهد و آنها را تشویق کند که کتابفروشیهای با اهداف جدید تأسیس کنند و اگر تنها ۵۰۰ کتابفروشی جدید در کشور ایجاد شود که اینها بتوانند به صورت میانگین از هر کتاب تنها ۲ جلد به فروش برسانند تأثیر زیاده‌تری برای ناشران دارد

کاری خود را از دست می‌دهد.

اساساً شما اطلاع‌رسانی در حوزه کتاب را در طول سال چگونه می‌بینید؟

O در حال حاضر چون بخش خصوصی هم تا حدودی در این زمینه فعال شده بهتر از سالهای قبل است. لاف‌ل این مزیت را دارد که اگر کسی به دنبال تازه‌های کتاب باشد یا دنبال اطلاعاتی در حوزه کتاب باشد می‌تواند به جوشش برسد.

به نظر شما میزان کتابخوانی در کشور الان چگونه است؟ آیا قانع‌کننده است؟

O نه خیلی کم است. میانگین تیراژ کتاب در حدود سه هزار است و این سه هزار کتاب هم در سال طول می‌کشد تا به فروش برسد. البته نسبت به سالهای قبل کمی بیشتر شده که آن هم به افزایش تعداد دانشجویان و دانش‌آموزان مربوط می‌شود نه به سیاستهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تشویق به کتابخوانی. در واقع افزایش دانشجویان و افزایش جمعیت جوان کشور بر حوزه کتاب هم تأثیر گذاشته و به طور طبیعی میزان مطالعه

کتاب کمی افزایش داشته است.

در حال حاضر، شما مهمترین و عمده‌ترین مسائل و مشکلات حوزه کتاب را چه می‌دانید؟

O پاسخ به شرایط گذشته می‌شود گفت که الان مشکل خاصی نداریم. کافیست ما را به راحتی می‌گیریم. امکاناتی که ارشاد می‌دهد الان بهتر شده است. مقاری از کتابها را خریداری می‌کند که این از جهتی خوب و از جهتی بد است. البته مشکل اصلی کتاب فروش آن نیست؛ هرچند که فروش مهمترین نقش را دارد بلکه مشکل اصلی به نظر من مشکل نبود اطلاع‌رسانی کافی و صحیح است. اطلاع‌رسانی فعلی به درد کسی می‌خورد که به دنبال جواب سوآلش باشد و ما فقط در این حد توانسته‌ایم موفق شویم. ولی در اینکه ما بتوانیم کاری بکنیم که عامه مردم را به خرید کتاب تشویق کنیم هنوز ناتوان هستیم.

شما چه پیشنهادی برای حل این مشکل دارید؟

O الان اگر آماری از تیراژ کتاب داشته باشیم و اگر تیراژ مناسب را برای هر کتاب ۵ هزار نسخه در نظر بگیریم. و اگر ما در سطح کشور ۵۰۰ کتابفروشی جدید تأسیس کنیم و اگر این کتابفروشیها هر کدام از یک عنوان کتاب از ۲ تا ۵ کتاب عرضه کنند و مردم کتابها را ببینند بدون شک خواهند خرید. ببینید تا موقعی که کتاب در معرض دید نباشد انگیزه چندانی هم به خرید آن پیدا نمی‌شود. الان ممکن است در شهرهای کوچک و دور، حتی مردم از خرید کتابهایی مثل دیوان حافظ هم محروم باشند. من خودم در یک شهر دورافتاده یک کتابفروشی را فعال کردم و در این مدت حداقل ۲۰۰ نسخه از جلد هشت کتاب سهراب سپهری را توانستم اینجا بفروشم. معنای این است که اگر ارشاد به جای بودجه‌ای که صرف خرید کتاب از ناشران می‌کند، به مردم وام بدهد و آنها را تشویق کند که اقدام به تأسیس کتابفروشیهایی با اهداف جدید کنند و اگر ۵۰۰ کتابفروشی جدید تأسیس شود و اینها بتوانند به صورت میانگین از هر کتاب تنها ۲ جلد به فروش برسانند تأثیر زیاده‌تر و مفیدتری برای ناشران دارد تا خرید کتاب از ناشران.

به نظر شما آیا این نمایشگاههایی که در هفته کتاب در سطح مدارس، پارکها، مساجد و اماکن عمومی دیگر برگزار می‌شود آیا نمی‌تواند ما را به نوعی به همان هدف نزدیک کند؟

O نه این نمایشگاهها، به دلیل اینکه زیر سلطه وزارت ارشاد است، موفق نمی‌شود. علت انتخاب کتاب X چیست؟ شمار ما کتابدارها همیشه این بوده است که: «هرخواننده‌ای کتابش و هر کتابی خواننده‌اش». شما اگر علاقه زیادی هم به مطالعه داشته باشید ولی من کتابفروش کتاب بدی به شما عرضه کنم و کتاب مناسب شما نباشد، شما از کتاب زده خواهید شد. نمایشگاه هم همین طور است. اگر ما در نمایشگاه کتابهای مناسب را

عرضه نکنیم، مردم زده می‌شوند و بدین می‌شوند و دفعه بعد می‌گویند اینها کتابهایی را می‌آوردند که به درد نمی‌خورد و اصلاً نگاه هم نمی‌کنند. کتاب باید با فرهنگ، محیط و فضای آن جامعه‌ای که می‌خواهید عرضه کنید متناسب داشته باشد تا طرف از سرزوق کتابی را بخرد و مطالعه کند و مشتاقانه منتظر نمایشگاه بعدی باشد. خود من کتابهایی دارم که اگر در سطح عامه مردم عرضه شود، شاید حتی یک جلد آن هم فروش نرود. ولی من ناراحت نمی‌شوم. چرا؟ چون کتاب من مخصوص کتابخانه‌هاست نه مردم. این کتاب مخصوص طیف خاصی است و این برعهده ناشران است که خودشان تشخیص بدهند هر کتاب را در چه منطقه‌ای و چه جامعه‌ای بفروشند. چون نمایشگاههای کتاب زیر نظر وزارت ارشاد است و کتابهایی که انتخاب می‌شود براساس روابط و شواهد خاصی است، عموماً با فضای آن محیط همخوانی ندارد و در نتیجه استقبال چندانی هم از سوی مردم نمی‌شود.

شما در نمایشگاههای شهرستانها چگونه شرکت کردید؟ و چه نتیجه‌ای از آنجا گرفتید؟

O من اخیراً در نمایشگاهی در استان خراسان شرکت کردم که خیلی خوب بود. چون دست ناشر در نمایشگاه شهرستانی و بین‌المللی باز است و می‌تواند هر کتابی را که خواست ببرد و بفروشد. ببینید نمایشگاه برای من قطعاً هزینه دارد و اگر قرار باشد دخل من به خرج نخورد، دفعه آینده شرکت نخواهم کرد.

آیا تا به حال در زمینه کتابهایتان خودتان اقدام به اطلاع‌رسانی کرده‌اید؟ حالا اعم از آگهی بازرگانی یا معرفی کتاب و...

O بله، من در چند جا به صورت آگهی اطلاع‌رسانی کردم که در فروش همان کتابها تأثیر داشت.

شما فکر می‌کنید اگر حالا ۵۰۰ کتابفروشی جدید در کل کشور ایجاد شود، مشکل فروش کتابهای تخصصی هم حل خواهد شد؟

O ببینید کسی که کتاب تخصصی چاپ می‌کند، اصلاً انتظار ندارد که به عامه مردم بفروشد. من از یک خانم خانه‌دار هیچ وقت انتظار ندارم که بیاید مثلاً کتاب نامه‌سازی کتاب یا مثلاً مفاهیم نوین اطلاع‌رسانی را بخرد. من این کتابها را به همان اندازه که دخلش به خرجش بخورد چاپ می‌کنم. مشکل اصلی در حوزه فرهنگ است؛ مثلاً رمان خوب، شعر خوب، داستان خوب و کتاب مرجع خوب، ما در این حوزه‌ها مشکل داریم. الان من کتابی دارم که معنای آن خیلی خوب فروش بود. ۳ هزار نسخه بیشتر نمی‌شود. اگر این کتاب را در مجموع هزار کتابخانه هر کدام ۲ جلد بخردند و بقیه‌اش را هم به دانشجو بفروشیم، خیلی هم راضی هستیم. هیچ انتظار هم ندارم که در شهرستان دورافتاده‌ای فروش بورد.